

تلاش‌ها را برای پایان دادن به جنگ پنج‌ساله در یمن از بین برده است؛ جایی که ریاض برای یک توافق سیاسی تلاش می‌کرد تا خصومت‌ها با تهران و حوثی‌ها را پایان دهد.

چرخش کشورهای حاشیه خلیج فارس به سمت دیپلماسی

بخشی از چرخش قابل توجه کشورهای حاشیه خلیج فارس و حرکت به سمت دیپلماسی با ایران به دلیل تصور «غیر قابل اطمینان بودن» دولت ترامپ و تمایل نداشتن واشنگتن برای حمایت از برخی کشورهای عربی در برابر ایران است.

تابستان گذشته بعد از هدف قرار گرفتن کشتی‌های نفتی در تنگه هرمز، هیأتی متشکل از مقامات امارات متحده به تهران رفتند و معاهده‌ای را برای نظارت بر خطوط کشتی‌رانی برای جلوگیری از درگیری امضا کردند. عربستان هم در این میان به آرامی با گروه‌های طرفدار ایران در یمن، عراق و سوریه ارتباط برقرار کرده بود. بعد از هدف قرار گرفتن تأسیسات آرامکودر عربستان سعودی که به طرز بدی زیرساخت نفتی عربستان را تخریب کرد، آمریکا نه تنها پاسخ آشکاری نداد بلکه روی این موضوع تأکید کرد که کشورهای حوزه خلیج فارس خودشان باید از خود دفاع کنند.

این باور در پایتخت کشورهای عربی به وجود آمد که برای این رئیس‌جمهوری اهل معامله، هزینه سیاسی بسیار بالا و مزیت‌های شخصی بسیار کم بوده که بخواهد دست به هرگونه اقدام تلافی‌جویانه بزند. کشورهای حاشیه خلیج فارس که احساس می‌کنند به حال خود رها شده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که دیپلماسی تنها راه پیش رو با ایران است. تا اینکه این نقشه نیز روز جمعه بعد از ترور سردار سلیمانی از بین رفت.

ریاد کهواجی، مدیر موسسه تحلیل نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاور نزدیک (موسوم به اینگما) در دوی، می‌گوید: «در یک لحظه، تغییری ناگهانی در آمریکا دیدیم که از حالت منفعل در برابر ایران به برخورد شدید و ترور بالاترین فرمانده این کشور تبدیل شد. از یک رفتار تند به رفتاری دیگر بدون در نظر گرفتن تبعات فاجعه‌آمیز برای متحدان آمریکا در خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای.»

طنز ماجرا اینجاست که عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس حالا به دنبال دیپلماسی با ایران هستند تا تنش میان واشنگتن و تهران را کاهش دهند و مسیر آمریکا به سمت جنگ را تغییر دهند.

چند ساعت بعد از ترور ژنرال سلیمانی، عربستان سعودی آمریکا را به خویشتن داری دعوت کرد. وزیر امور خارجه امارات متحده عربی هم از واژه «درایت» استفاده کرد. وزیر امور خارجه قطر نیز ۲۴ ساعت بعد از ترور به تهران سفر کرد. محمد بن سلمان، پادشاه عربستان، برادرش خالد بن سلمان را که معاون وزیر دفاع هم است به واشنگتن فرستاد؛ جایی که او دولت ترامپ را به خویشتن داری تشویق کرد و روز سه‌شنبه هم شیخ تمیم آل ثانی، امیر قطر، در تماس تلفنی با ترامپ درباره تنش زدایی حرف زد.

خشمگین در برابر آمریکا

روز چهارشنبه، چند ساعت بعد از حمله موشکی ایران به پایگاه هوایی عین الاسد در عراق که میزبان نیروهای آمریکایی است، کلمات «احتیاط» و «خویشتن داری» بارها تکرار شد. با این حال، پشت این دیپلماسی، خشم و عصبانیتی درباره آنچه مقامات و تحلیل‌گران از آن با عنوان «بی‌دقتی» دولت آمریکا یاد می‌کنند، وجود دارد. مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس نگرانند که اگر ایران پایگاه‌های آمریکایی را در خاک این کشورها هدف قرار دهد، کشورهای عربی مجبورند پاسخ دهند و تمام منطقه را به جنگ بکشانند.

هزینه هر نوع درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس مشخص و بسیار زیاد است. پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی آمریکایی در بحرین، قطر، کویت، امارات، عمان و عربستان سعودی شامل ۵۰ تا ۶۵ هزار نیرو، چندین کشتی جنگی و چند مرکز فرماندهی عملیات هوایی است. در سراسر خلیج، منافع تجاری شرکت‌های آمریکایی و همچنین تأسیسات نفتی و گاز طبیعی چند میلیون دلاری قرار دارد. این پایگاه‌ها و کشورهای عرب به راحتی معرض موشک‌های بالستیک ایران قرار دارند.

بر اساس یکی از تخمین‌های تحلیل‌گران مسائل خلیج فارس، همان‌طور که حامیان ایران تهدید کردند اگر آمریکا به حمله موشکی در ایران پاسخ دهد آن را بی‌پاسخ نمی‌گذارند، اصابت تنها یک موشک به دوی می‌تواند میلیاردها دلار به کشورهای خلیج فارس خسارت وارد کند.

عبدالحق عبدالله، استاد دانشگاه علوم سیاسی در امارات و از عوامل نزدیک به تصمیم‌گیرندگان ابوظبی می‌گوید: «حاشیه خلیج فارس یکی از نظامی‌ترین مناطق در دنیاست؛ اما با وجود این امنیت وثبات در آن نمی‌بینیم. هرچه بیشتر این منطقه نظامی کنند، امنیت منطقه هم کاهش پیدا می‌کند. این سیکل معیوب باید متوقف شود.»

رهبان کشورهای حاشیه خلیج فارس ترس عمیق‌تری دارند. کنت بولاک، کارشناس خاورمیانه در موسسه سرمایه‌گذاری امریکن و تحلیل‌گر پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا می‌گوید: «چیزی که کشورهای حاشیه خلیج فارس به معنای واقعی از آن می‌ترسند این است که آمریکا جنگی را با ایران شروع کند و بعد کنار بکشد. آنها از اینکه ترامپ ایران را تحریک کند به شدت واهمه دارند؛ از اینکه ایران تلافی می‌کند و ترامپ آنها را در این محصمه تنهایی گذارد.»

اعتماد فرسایشی

این بحران به وجود آمده نمایانگر شکاف در روابط اعراب با واشنگتن و از بین رفتن اعتماد به دولت آمریکا است که بعد از روی کار آمدن فاسد شده است. این موضوع همچنین بعد از شکسته شدن یک سری عهد و پیمان به وجود آمده که شامل خروج سربازان از سوریه و امتناع از پشتیبانی محاصره قطر، رقیب سعودی و امارات در حاشیه خلیج فارس می‌شود.

بر اساس گزارش‌ها کشورهای عربی به مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، اعتماد ندارند. پمپئو زمانی به عنوان «تفکر مستقل» شناخته می‌شد که می‌توانست سیاست‌های دونالد ترامپ را هدایت و از تصمیم‌گیری عجولانه جلوگیری کند. اما حالا بعد از آنکه سعی می‌کند تصمیم‌های عجولانه دولت را به‌طور مرتب به ریاض و ابوظبی بقبولاند در محافل کشورهای خلیج فارس به عنوان مردی «بله‌فریان‌گو» دیده می‌شود.

یکی از منابع دیپلماتیک کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌گوید: «قبل از اینکه پمپئو واشنگتن را ترک کند، دولت ترامپ تصمیمش را اعلام می‌کند. اما زمانی که هوای پیمایش به زمین می‌نشیند ترامپ توییت می‌رساند: «من متشکرم که وزیر خارجه هم تصمیمی کاملاً متفاوت را با آنچه توافق کرده‌ایم، بیان می‌کند. در واشنگتن اختلال، درگیری و آشفتگی بسیاری وجود دارد. یکی از پیش‌بینی‌ناپذیرترین رئیس‌جمهوری‌ها در تاریخ آمریکا را در دو انتخابات هم نزدیک است. ما پیام‌های متناقضی از وزارت خارجه آمریکا، پنتاگون، سازمان سیا و کنگره دریافت می‌کنیم و باید از خود بی‌پرسیم: چه کسی از زبان مردم آمریکا صحبت می‌کند؟»

سیاست‌های آمریکا در قبال ایران باعث شده تصمیم‌گیرندگان و شهروندان کشورهای حاشیه خلیج فارس درباره همکاری خود با آمریکا و امتیاز اساسی حفاظت نظامی در ازای تأمین منابع حیاتی که نفت باشد، تجدید نظر کنند.

کهواجی در اینگما می‌گوید: «مردم اینجا می‌پرسند: هدف از حضور نظامی آمریکا چیست و وقتی آنها نمی‌توانند زمانی که نیاز داریم از ما حمایت کنند و حالا هم که ما را وارد یک جنگ منطقه‌ای کرده‌اند، پس حضور آنها چه فایده‌ای دارد؟ چارچوب امنیتی که در منطقه پایه‌گذاری شده به طرز بدی شکست خورده و حالا خود آمریکا هم به یک دردسر تبدیل شده است.»



خرابی ناشی از حملات موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد / NPR

دردسر حضور آمریکا برای اعراب خلیج فارس



دکتر رضامولوی

استاد سابق دانشگاه داره‌ام‌انگلیس و مدیر سابق مرکز مطالعات ایران در این دانشگاه

۱- دنیا هنوز در حال ارزیابی پیامدهای ترور ژنرال قاسم سلیمانی است که چندی پیش در حمله پهپاد آمریکایی اتفاق افتاد. آیا ترور یک مرد، آن هم یک مرد قدرتمند، برای تغییر مسیر جنگ قدرت در خاورمیانه یا موقعیت ایالات متحده در دنیا کافی خواهد بود؟ پاسخ این سوال احتمالاً «بله» است، اما این به بله مثبتی ندارد.

بر اساس ادعاهای نخست‌وزیر عراق، قاسم سلیمانی برای انجام بخشی از عملیات تلاش برای میانجی‌گری در روابط ایران و عربستان با دعوت عراق به این کشور آمده بود. طبق گزارش‌ها، این تلاش زمانی شروع شد که عربستان درباره میزان قدرت آمریکا در منطقه نگرانی‌هایی داشت. اگر این موضوع صحت داشته باشد، ترور ژنرال سلیمانی نه تنها احتمال آشتی ایران با عربستان را به عقب می‌اندازد بلکه آغاز کم‌رنگ شدن نفوذ طولانی مدت و بیشتر آمریکا در منطقه خواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر عالی ایران، تصمیم‌گیرنده کلیدی در امور ایران است، اما عرصه سیاسی ایران شامل برخی بازیگران آن از جمله روحانیت، رئیس‌جمهوری منتخب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای بسیج، نیروهای نظامی، طبقه متوسط و بازار نیز به یکپارچگی نیاز دارد. در میان مهم‌ترین اطرافیان آیت‌الله خامنه‌ای، نقش سردار سلیمانی برجسته بود. بسیاری از ایده‌ها و اقدامات سردار از جمله مدیریت عرصه مبارزه در سوریه کاملاً مورد تأیید ایران بود.

اما از سوی دیگر، اقدامات ژنرال سلیمانی موجب شد برخی کشورهای عربی و اسرائیل برای مواجهه با او به هم نزدیک شوند. آنها قاسم سلیمانی را دشمن مشترک خود می‌دانستند و ترجیح دادند برای رویارویی با این دشمن مشترک در یک جبهه قرار بگیرند. با این حال تا زمانی که این کشورها ایران را تهدید تلقی می‌کنند، این همکاری بیشتر و عمیق‌تر خواهد شد.

اما موضوع اصلی همیشه این نیست. تا همین ۱۰ سال پیش، حضور ایران در منطقه به دلیل شکاف قابل توجه میان حاکمان عرب و طرفدارانشان در دیگر کشورهای خاورمیانه بود. در بیشتر مواقع این حاکمان همواره به نوع نگرش و عملکرد ایران اعتماد نداشتند. ولی حامیان مذهبی اما غیرمتعصب در این کشورها ایران را با تحسین می‌نگریستند و علاقه‌مند بودند ببینند یک «حکومت دینی دموکراتیک» شیعی موفق خواهد بود یا خیر. وقتی بعد از نهار عربی نقش آفرینی ایران در منطقه افزایش یافت، بی‌اعتمادی حاکمان عرب به مخالفت کامل با ایران تبدیل شد و حامیان آنها سردرگم شدند. میراث سلیمانی به نوعی همین تغییر در روابط ایران و عربستان بود.

اشتباه نکنید؛ نفوذ منطقه‌ای ایران در لبنان، سوریه، یمن و بخشی از خلیج فارس واقعی است و نباید چشم‌ها را روی آن بست. ایران در منطقه نماد تهدیدی جدی برای آمریکا و اسرائیل است. ایران سال‌هاست روی توانایی‌های نظامی‌اش کار کرده و توانسته است توانایی‌اش را در جنگ‌های نامتقارن بهبود بخشد؛ مبارزه با تروریسم، جنگ‌های غیر متعارف، مدیریت گروه‌های ضد آمریکا و اسرائیل، مبارزه سایبری و مانند آنها از جمله توانایی‌های ایران محسوب می‌شود. اگرچه ایران در مقایسه با برخی کشورها هزینه نظامی بالایی ندارد، اما جنگ هشت‌ساله با عراق نشان داد که تعصب چگونه به استراتژی ایرانی تبدیل شده است. در جنگ، سربازان ایرانی با جان‌گذشتگی حاضر بودند هر مانعی از جمله میادین مین را از پیش رو بردارند. بنابراین هیچ سناریویی وجود ندارد که نشان دهد آمریکا در تکنولوژی و عملیات نیروهای ویژه‌میزب و تروری دارد. در نهایت جنگ غیرمتعارف باقی می‌ماند که سرعت، هدف، موقعیت و شدت آن به یک اندازه در دست ایران و آمریکا است.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، ایران به تازگی تصمیم خود را برای کاهش تعهدات

به محدودیت‌های توافق هسته‌ای برای غنی‌سازی اورانیوم اعلام کرد و به این ترتیب این معاهده دیگر هیچ محدودیتی را بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال نمی‌کند. تا زمانی که ترامپ ایده‌ای برای حمله به ایران برای نابود کردن تأسیسات هسته‌ای ایران نداشته باشد - خطایی بزرگ که امیدوارم او مرتکب نشود - آمریکا به غیر از اعمال تحریم‌ها، هیچ نیروی بازدارنده‌ای برای جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران ندارد. ایران همواره همانند دانش‌آموزی سخت‌کوش برخورد آمریکا با کشورهای دیگر را درباره برنامه سلاح‌های هسته‌ای زیر نظر داشته است. به‌کره شمالی، هند و پاکستان نگاه کنید.

ایران با توافقی هسته‌ای موافقت کرده که آمریکا آن را لغو می‌کند و حالا ممکن است بلوف ترامپ (و بنیامین نتانیاهو) درباره تهدید به حمله نظامی برای نابودی برنامه هسته‌ای را رو کنند. البته اقدامات نظامی برای تمام طرفین، بحث‌انگیز و بسیار خطرناک است. با اینکه ترامپ ریسک‌پذیر نیست، اما با اقدامات مجزا موافقت می‌کند. ترامپ مدعی است ایران یا ما یا متحدان ما را می‌زند و ما هم آنها را می‌زنیم. به نظر می‌رسد حمله پهپادی ایالات متحده برای ترور سردار سلیمانی تا همین الان هم باعث اتحاد ایرانی‌ها شده است. اگر چنین باشد، این موضوع عکس سیاست دولت آمریکا برای اعمال «فشار حداکثری» به وسیله تحریم‌ها برای ایجاد نارضایتی داخلی در ایران عمل کرده است. اگر این اتحاد ادامه پیدا کند، ما مدت‌ها در فصل تقابل باقی خواهیم ماند.

۲- «غافلگیر، رسوا، مضطرب و خشمگین»؛ اینها توصیف حس رهبران عربی کشورهای حاشیه خلیج فارس است زمانی که به واشنگتن، تهران و پایتخت کشورهای اروپایی سفر می‌کنند تا پیامدهای ترور ژنرال سلیمانی به دست آمریکا را کنترل کنند. آنها زمانی او را دشمن بزرگ خود می‌دانستند، اما ترور او خط قرمزی بود که از پس هزینه عبور از آن بر نمی‌آیند.

حاکمان عرب حاشیه خلیج فارس سعی می‌کنند با عبور از سیاست تهدید به حمله نظامی به میانجی‌گری، جلوی درگیری را بگیرند که یک بار شاهد آن بودند و حالا از آن واهمه دارند.

همان‌طور که روز چهارشنبه و پس از حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد در عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس با اکثریت تقلا می‌کردند تا از پاسخ آمریکا به ایران جلوگیری کنند، با چالش بزرگ‌تری روبه‌رو شدند؛ با متحدی مثل آمریکا چه کار باید کرد؟

در میان ناگامی‌های فزاینده در سیاست‌های خودسرانه واشنگتن، ناآرامی‌های داخلی و بیمان‌های شکسته شده، خیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا بعد از سال‌ها لاپیگیری سیاست‌های فاجعه‌بار، به یک «دردسز بزرگ» تبدیل شده است.

یکی از منابع دیپلماتیک در حوزه خلیج فارس، با درخواست محفوظ ماندن نام و کشورش می‌گوید: «مهم‌ترین متحد ما، یک قدرت جهانی است که تظاهر به برقراری ثبات در منطقه می‌کند اما در عمل موجب ناآرامی در منطقه شده و بدون نظرخواهی همه‌ما همراه خود می‌برد.»

با اینکه کشورهای عربی، تحت هر شرایط دیگری از ترور ژنرال ایرانی خوشحال می‌شدند، اما حمله پهپادی به فرمانده سپاه قدس به دستور دونالد ترامپ دیپلماسی کشورهای حاشیه خلیج فارس را با ایران به شدت تخریب کرده است. براساس گفته‌های دولت عراق و منابع دیپلماتیک، ژنرال سلیمانی حامل جواب رسمی مقامات ایران به دعوت عربستان سعودی برای مذاکره و آتش‌بس در منطقه بوده که آمریکا خود را وارد کرد و گاه بین المللی بغداد هدف گرفت.

عربستان و امارات متحده عربی با اینکه قبلاً مصرانه از واشنگتن تقاضای کردند برای ترساندن ایران و نیروهای تحت حمایتش اقدامات نظامی را در پیش بگیرد، اما در روند یک دیپلماسی آرام به سوی تنش زدایی میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس گام برمی‌داشتند.

باترورژنرال سلیمانی کشورهای حاشیه خلیج فارس نگرانند که دولت ترامپ تمام

